

تفاوت معنای خاموشی



علی مسعودی‌نیا
نویسنده

دیروز صبح از خواب که بیدار شدم و دیدم برق رفته و پیامک وزارت محترم نیرو را ندیده‌ام (شما هم مثل من از فرط تبلیغات و پیامک‌های برداشت و واریز، به‌ندرت به پیامک‌های تان سر می‌زنید؟) و شارژ گوشی تمام شده تا دقایقی کلافه و مستأصل به سقف خیره بودم. کتری برقی هم کار نمی‌کرد و یادم نبود فنک اجاق گاز هم با برق کار می‌کند و هی با شیر اجاق رو می‌فتم و بی‌فایده. خلاصه که تا خودم را پیدا کنم و بتوانم ذهنم را جمع و جور کنم که بدون برق و گوشی هر کاری را باید چطور انجام بدهم و بدون تاکسی اینترنتی چطور خودم را به سر کاری که داشتم برسانم، کلی طول کشید.

در سال‌های کودکی و نوجوانی من، بی‌برقی خیلی عادی بود. به هر خانه‌ای می‌رفتی یک چراغ دوشعلی‌گازی به‌دیوار نصب کرده بود که به طرز معناداری اسمش را گذاشته بودند «روشنایی». کلی از مشق‌های کدایی من زیر نور همین روشنایی نوشته شد. هنوز هم فن کوئل، شوفاژ و دستگاه‌های مدرن تهویه هوا چندان فراگیر نشده بود. هنوز بخاری گازی و نفتی و چراغ زنبوری، فانوس و چراغ قوه (گمانم بیشتر به خاطر ایام جنگ ایران و عراق) در هر خانه‌ای بود. کتری برقی، اجاق برقی، جاروی برقی و خیلی چیزهای برقی دیگر هم اهمیتی نداشت. برای تماس هم که تلفن‌های آنالوگ با شماره‌گیر چرخان و گوشی دو کیلویی در دسترس بود. تلویزیون هم که برنامه چندانی نداشت و اگر هم کوچک بود که با باتری ماشین کار می‌کرد و اگر قضیه خیلی حیاتی بود و خودت هم نداشتی، می‌رفتی خانه همسایه و کارتون یا فیلم یا فوتبال یا دیدنی‌ها تماشا می‌کردی و تازه رادیو هنوز رسانه جذابی بود و در هر خانه‌ای یک عدد ترانزستوری اش موجود بود و به محض قطع برق روشن می‌شد و به سهم خودش فضا را از سکوت تاریکی و سکون درمی‌آورد. اصلاً خبر نداشتیم که برق کی می‌رود و کی می‌آید. یعنی معنای خاموشی در آن روزگار با این روزها خیلی فرق داشت. ضمن آن که عدوی بود که سبب خیر می‌شد؛ یعنی همه زیر همان منبع نوری که موجود بود جمع می‌شدیم و هله و هوله یا غذایی می‌خوردیم یا کاری می‌کردیم که سرگرم شویم و در نهایت اگر راه نداشت، می‌فتم پشته‌بای یا پارکی یا منزل آشنایی.

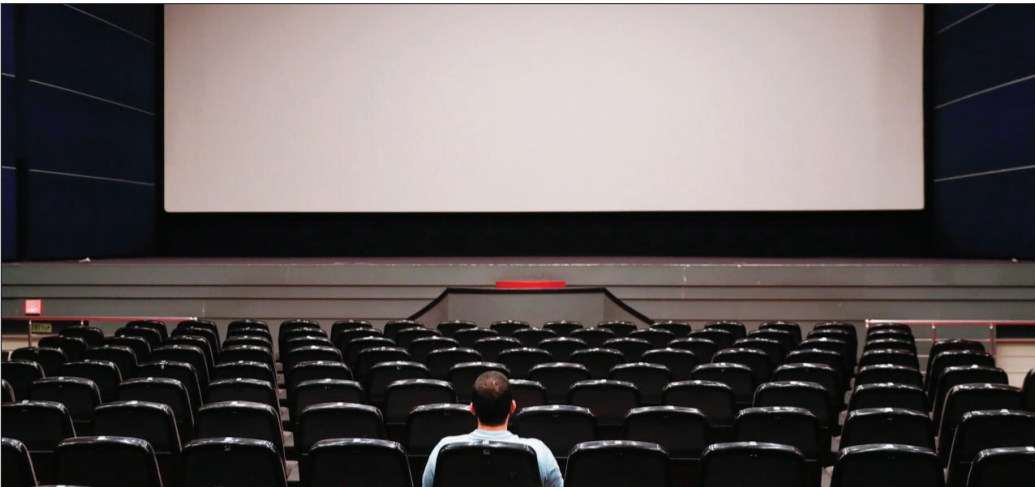
اما این روزها قطع برق اختلال بخش وسیعی از زندگی ما را رقم می‌زند. هیچ چیز این سبک زندگی با نبود نیروی برق سازگار نیست. در خانه هر وسیله مفید و ضروری‌ای که فکرش را بکنی ربطی به بود و نبود برق دارد. اصلاً ساده‌ترین کارها، مثل همان گرفتن تاکسی اینترنتی، یا حتی بیرون رفتن از خانه مشکل می‌شود، چون اکثر درآپارتمان هستیم. معضل فقدان آسانسور و راه‌پله‌های فاقد نورگیر به کنار، اگر ماشین‌دار باشی در خانه‌های هم برقی و کنترلی شده و معمولاً باز و بسته کردنش بدون برق کار آسانی نیست. قطعی و اختلال اینترنت را هم دیگر نگویم که چقدر آدم را فاج می‌کند. صاحبان مغازه و کسب‌وکار هم به‌جای خود که از ترازو تا کارت‌خوان و از ویجت تا فریزر تا کرکره برقی و چراغ ویرین‌شان از کار می‌افتند.

این قیاس‌ها را کردم که بگویم می‌تواند مسؤلان بر این گمان باشند که مثل ایام کودکی و نوجوانی من و امثال من، می‌توانند بدون چاره‌جویی ریشهای و راه‌حل اساسی، ما را به بی‌برقی عادت بدهند. یک چیزهایی اصلاً با روح زمانه جور در نمی‌آید. شوربختانه کشور ما با گرفتاری‌های بسیاری مواجه است که ناشی از تضاد تصمیم‌ها و قانون‌ها با روح و نیاز زمانه است. بحران انرژی معضل همگی ماست، مردم هم تا حدی در ایجادش دخیل بوده‌اند و انگار همین دیروز بود که به آن آگهی می‌خندیدیم و برایش لطیفه می‌ساختیم که در انتهایش کودکی می‌گفت: «اما نفت اگه تموم بشه، دیگه نیست.»

اما تعارف که نداریم. بد مصرف کردن ما هم ناشی از کم‌کاری مسؤلان بوده و باقی ماجراهای پشت و پیش پرده و دخیل در بحران انرژی و این وضعیت ناتراز را هم که خاصه این روزها مگر شنیده‌ایم. اما ماجرای صرفه‌جویی یا ریاضت در انرژی که فعلاً به‌عنوان یک راه‌حل دودستی در دستور کار قرار گرفته، زندگی همه را مختل خواهد کرد و نتایجش اسفبار خواهد بود و در تسریع فروپاشی اجتماعی و شکاف اقتصادی نیز نقش خواهد داشت. حواستان باشد که حالا دیگر نه آن هم‌ملی دوران جنگ و پس از جنگ هست و نه از اساس می‌توان در بی‌برقی‌های مداوم (حالا با برنامه‌هایی برنامه قبلی، چون فرقی ندارد دانستن‌اش از پیش، برق آب نیست که بنشود توی دیه ذخیره کرد) زندگی متعارفی داشت. این خاموشی آن خاموشی نیست، ضمن آن که این روزها در هیچ خانه‌ای «روشنایی» هم نداریم.

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریا سچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



در تنگنا

کارشناسان معتقدند نفس‌های سینمای مستقل

سال‌هاست زیر ضرب سینمای عامه‌پسند به شماره افتاده است

▼ نگرانی نه برای ساختن فیلم که برای امرار معاش

فیلمسازان مستقل یا به‌شکل مشخص‌تر، فیلمسازان فعال در حوزه سینمای هنر و تجربه، در طول سه‌سال گذشته عمدتاً در زمینه تولید اثر با مشکل مواجه شده‌اند.

این نکته‌ای بود که امیرحسین علم‌الهدی با سابقه سال‌ها مدیریت گروه سینمایی هنر و تجربه در کارنامه کاری‌اش به آن اشاره کرد و در گفت‌وگو با «هم‌میهن» افزود: «این مشکل از یک سو به دلیل عدم صدور پروانه ساخت رخ داده است. چرا که دوستان مسؤل در سیستم‌های دولتی در طول سال‌های مورد اشاره متأسفانه نتوانستند این گونه‌ی سینمایی همراهی کنند. به عبارت دیگر شاید تغییر ریل مورد اشاره این دوستان، اساساً به این معنا بود که آن‌چه به‌عنوان سینمای هنر و تجربه شناخته می‌شد مورد پشتیبانی نیست. در نتیجه این گروه از فیلمسازان نتوانستند براساس قوانین جاری کشور به تولید اثر بپردازند. علت دیگری که موجب شد فیلمسازان مستقل در زمینه تولید اثر با مشکل مواجه شوند این بود که تغییر ساختارها در حوزه سینما به گونه‌ای پیش‌رفت که فیلمسازانی را به امری گران‌تبدیل کرد. به این معنا که شما اگر بخواهید به‌عنوان کارگردان سینمایی مستقل به سراغ حرفه‌ای‌ها بروید عمدتاً دیگر از عهده تامین منابع مالی بر نمی‌آید. دلیل سومی که موجب ایجاد مشکل بر سر راه فیلمسازان مستقل برای ساخت فیلم شده این است که سینمای هیچ جای دنیایی نمی‌تواند برای ادامه حیات تنها به بازار داخلی متکی باشد. به عبارت دیگر به‌شخصه سینمایی را در دنیا سراغ ندارم که ادعا کند هم می‌خواهد درون‌زا باشد و هم درآمداً اما فقط در چارچوب جغرافیایی خود. در واقع در همه‌جای دنیا فیلمسازان می‌توانند به‌صورتی آزاد در همکاری با کارگردانان دیگر کشورهای دنیا به تولید اثر بپردازند.» علم‌الهدی ادامه داد: «بیماد این اتفاق، چنان‌چه مشاهده می‌کنید، می‌شود اینکه بسیاری از فیلمسازان ما که تعدادشان هم اندک نیست نه به‌صورت رسمی، نه به‌صورت زیرزمینی از امکان فعالیت برخوردار نیستند. آن‌چه اکنون در مورد این فیلمسازان مطرح است، نه بحث فیلم ساختن یا ناساختن که بحث مشکلات معیشتی است. به جمله‌ای ظریف از کیانوش عیاری ارجاع‌تان می‌دهم که گفته بود: «نمی‌دانم اگر سینما نباشد باید چکار کنم؟ چون حتی مسافرتی هم بلد نیستیم.» فیلمسازان مستقل ماضمن اینکه به دلیل شرایط مورد اشاره نمی‌توانند در حوزه تخصصی‌شان فعالیت کنند، تخصص دیگری هم جز این ندارند و برای همین است که می‌توان گفت صحبت نه در مورد شرایط فیلمسازی که در مورد مشکلات معیشتی است. ما باید بدانیم که تصمیمات دولتمردان در حوزه فرهنگ و هنر در طول سه‌سال گذشته، فارغ از آمار و ارقام، از زیوست فرهنگی برخوردار نبوده‌اند. خاطرم هست در دولت سیزدهم جمله‌ای از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت در مورد گروه سینمایی هنر و تجربه نقل شده بود که ما بیلیم در این گفت‌وگو دگر شود. طبق این نقل قول از سوی ایشان گفته شده بود که چه دلیلی دارد ما به این روش‌فکران پول بدهیم؟! در حالی که گروه سینمایی هنر و تجربه صرفاً پتانسی برای روش‌فکران نبود، بلکه پتانسی بود که سینماگران مستقل می‌توانستند در آن‌جا با مخاطبانی حرف بزنند که می‌دانستند وقتی وارد سالن سینمایی شوند قرار است به‌تماشای چه فیلمی بنشینند.»

علم‌الهدی همچنین اظهار امیدواری کرد دولت چهاردهم بتواند با سازوکارهایی که تعریف می‌کند نخست‌نگرانی‌های معیشتی فیلمسازان مستقل را مرتفع کند، سپس زمینه‌ای برای ساخت فیلم توسط آن‌ها فراهم آورد. زمینه‌ای نه به‌مثابه ایجاد صندوقی چون کمیته امداد، بلکه به‌عنوان بازاری جذاب برای تماشاگران داخلی و خارجی. او تأکید کرد نباید فراموش کنیم که همه این مشکلات ذیل سیاست خارجی حل خواهد شد و تا مشکلات‌شان در این زمینه حل نشود، نمی‌توانیم فضایی برای فعالیت در حوزه بین‌الملل پیدا کنیم. او در پایان تصریح کرد: «هیچ سینمایی را در جهان نمی‌توان یافت که توانسته باشد همه مسائل‌اش را در درون خود حل کند. ما راهی جز آشتی با حوزه بین‌الملل پیش روی ما نیست و باید با تجدیدنظر در حوزه ممیزی و ساختار فیلمسازی در ایران، سینمای خود را به همه جای دنیا ارائه دهیم.»

آن‌چه نگرانی‌ها در زمینه حیات سینما و سینماگران مستقل ایران را افزایش می‌دهد موج ممنوع‌الفعالیتهای موجود است که به‌ویژه پس از اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ شدت گرفته و اگر چه سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت چهاردهم تأکید کرده است «برخی از خان‌ها و آقایانی که ممنوع‌الفعالیتهای بودند، مسئله‌شان حل شده و مسئله برخی دیگر هم در شرف بررسی‌های نهایی است.» همچنان این نگرانی وجود دارد که مبدا استیضاح دیگر هم‌مندان از شرایط موجود موجب رسیدن آن‌ها به نقطه‌ای غیر قابل برگشت شود.

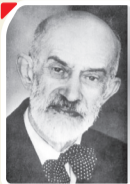


این نکته‌ای بود که امیرحسین علم‌الهدی با سابقه سال‌ها مدیریت گروه سینمایی هنر و تجربه در کارنامه کاری‌اش به آن اشاره کرد و در گفت‌وگو با «هم‌میهن» افزود: «این مشکل از یک سو به دلیل عدم صدور پروانه ساخت رخ داده است. چرا که دوستان مسؤل در سیستم‌های دولتی در طول سال‌های مورد اشاره متأسفانه نتوانستند این گونه‌ی سینمایی همراهی کنند. به عبارت دیگر شاید تغییر ریل مورد اشاره این دوستان، اساساً به این معنا بود که آن‌چه به‌عنوان سینمای هنر و تجربه شناخته می‌شد مورد پشتیبانی نیست. در نتیجه این گروه از فیلمسازان نتوانستند براساس قوانین جاری کشور به تولید اثر بپردازند. علت دیگری که موجب شد فیلمسازان مستقل در زمینه تولید اثر با مشکل مواجه شوند این بود که تغییر ساختارها در حوزه سینما به گونه‌ای پیش‌رفت که فیلمسازانی را به امری گران‌تبدیل کرد. به این معنا که شما اگر بخواهید به‌عنوان کارگردان سینمایی مستقل به سراغ حرفه‌ای‌ها بروید عمدتاً دیگر از عهده تامین منابع مالی بر نمی‌آید. دلیل سومی که موجب ایجاد مشکل بر سر راه فیلمسازان مستقل برای ساخت فیلم شده این است که سینمای هیچ جای دنیایی نمی‌تواند برای ادامه حیات تنها به بازار داخلی متکی باشد. به عبارت دیگر به‌شخصه سینمایی را در دنیا سراغ ندارم که ادعا کند هم می‌خواهد درون‌زا باشد و هم درآمداً اما فقط در چارچوب جغرافیایی خود. در واقع در همه‌جای دنیا فیلمسازان می‌توانند به‌صورتی آزاد در همکاری با کارگردانان دیگر کشورهای دنیا به تولید اثر بپردازند.» علم‌الهدی ادامه داد: «بیماد این اتفاق، چنان‌چه مشاهده می‌کنید، می‌شود اینکه بسیاری از فیلمسازان ما که تعدادشان هم اندک نیست نه به‌صورت رسمی، نه به‌صورت زیرزمینی از امکان فعالیت برخوردار نیستند. آن‌چه اکنون در مورد این فیلمسازان مطرح است، نه بحث فیلم ساختن یا ناساختن که بحث مشکلات معیشتی است. به جمله‌ای ظریف از کیانوش عیاری ارجاع‌تان می‌دهم که گفته بود: «نمی‌دانم اگر سینما نباشد باید چکار کنم؟ چون حتی مسافرتی هم بلد نیستیم.» فیلمسازان مستقل ماضمن اینکه به دلیل شرایط مورد اشاره نمی‌توانند در حوزه تخصصی‌شان فعالیت کنند، تخصص دیگری هم جز این ندارند و برای همین است که می‌توان گفت صحبت نه در مورد شرایط فیلمسازی که در مورد مشکلات معیشتی است. ما باید بدانیم که تصمیمات دولتمردان در حوزه فرهنگ و هنر در طول سه‌سال گذشته، فارغ از آمار و ارقام، از زیوست فرهنگی برخوردار نبوده‌اند. خاطرم هست در دولت سیزدهم جمله‌ای از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت در مورد گروه سینمایی هنر و تجربه نقل شده بود که ما بیلیم در این گفت‌وگو دگر شود. طبق این نقل قول از سوی ایشان گفته شده بود که چه دلیلی دارد ما به این روش‌فکران پول بدهیم؟! در حالی که گروه سینمایی هنر و تجربه صرفاً پتانسی برای روش‌فکران نبود، بلکه پتانسی بود که سینماگران مستقل می‌توانستند در آن‌جا با مخاطبانی حرف بزنند که می‌دانستند وقتی وارد سالن سینمایی شوند قرار است به‌تماشای چه فیلمی بنشینند.»

علم‌الهدی همچنین اظهار امیدواری کرد دولت چهاردهم بتواند با سازوکارهایی که تعریف می‌کند نخست‌نگرانی‌های معیشتی فیلمسازان مستقل را مرتفع کند، سپس زمینه‌ای برای ساخت فیلم توسط آن‌ها فراهم آورد. زمینه‌ای نه به‌مثابه ایجاد صندوقی چون کمیته امداد، بلکه به‌عنوان بازاری جذاب برای تماشاگران داخلی و خارجی. او تأکید کرد نباید فراموش کنیم که همه این مشکلات ذیل سیاست خارجی حل خواهد شد و تا مشکلات‌شان در این زمینه حل نشود، نمی‌توانیم فضایی برای فعالیت در حوزه بین‌الملل پیدا کنیم. او در پایان تصریح کرد: «هیچ سینمایی را در جهان نمی‌توان یافت که توانسته باشد همه مسائل‌اش را در درون خود حل کند. ما راهی جز آشتی با حوزه بین‌الملل پیش روی ما نیست و باید با تجدیدنظر در حوزه ممیزی و ساختار فیلمسازی در ایران، سینمای خود را به همه جای دنیا ارائه دهیم.»

آن‌چه نگرانی‌ها در زمینه حیات سینما و سینماگران مستقل ایران را افزایش می‌دهد موج ممنوع‌الفعالیتهای موجود است که به‌ویژه پس از اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ شدت گرفته و اگر چه سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت چهاردهم تأکید کرده است «برخی از خان‌ها و آقایانی که ممنوع‌الفعالیتهای بودند، مسئله‌شان حل شده و مسئله برخی دیگر هم در شرف بررسی‌های نهایی است.» همچنان این نگرانی وجود دارد که مبدا استیضاح دیگر هم‌مندان از شرایط موجود موجب رسیدن آن‌ها به نقطه‌ای غیر قابل برگشت شود.

شخصیتی چندبُعدی



اوزبان شناس، پژوهشگر ادبیات فارسی، مورخ، نویسنده، مترجم و شاعر بود و علاوه بر این‌ها جزو نسل اول استادان دانشکده‌ی حقوق و دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران بود. سعید نفیسی که در ترجمه و تصحیح آثار ادبی ایران ید طولایی داشت و ۱۰۰ کتاب در حوزه‌های مختلف تاریخ، ادبیات و فرهنگ لغت داشت،

آثار بسیاری از نویسندگان معروف دنیا را به ایرانی‌ها شناساند. نفیسی، در مدرسه‌ی علمیه درس خواند و ۱۵ ساله بود که برادر بزرگ‌ترش او را برای ادامه‌ی تحصیل به اروپا برد و بعد از تحصیل به ایران برگشت و شروع به تدریس زبان فرانسه در دبیرستان‌های تهران کرد. او از شروع بنیان دانشگاه تهران استاد دانشکده‌ی حقوق شد و بعد به استادی دانشکده‌ی ادبیات برگزیده شد. علاقه‌مند او به تاریخ و ادبیات ایران باعث شد تا آثار پژوهشی زیادی پدید آورد و بسیاری از متن‌های منثور و منظور فارسی را به شیوه‌ای علمی منتشر کند. نفیسی در دوران حیاتش جوایز زیادی گرفت که معروف‌ترین نشان لژیون دونور بود. او که اواخر عمر در پاریس زندگی می‌کرد، در ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۴۵ در همان‌جا درگذشت.

داستانک‌هایی برای زندگی پر‌بهاو

گاهی خواندن یک داستان چند کلمه‌ای می‌تواند تأثیری شگرف بر ذهن مخاطب بگذارد و به اندازه‌ی یک رمان قطور ابعاد مختلف زندگی آدم‌ها و ماجراهای‌شان را نقل کند. در این دنیای پرشتاب گاهی خواندن کتاب‌های قطور فراهم نیست و بسیاری داستان‌های مینی‌مال را ترجیح می‌دهند. کتاب «آغاز... پایان...» یک دقیقه‌« یکی از مجموعه‌های مینی‌مال است که نویسنده‌ی آن از زمانی که روزنامه‌نگار بود، شروع به نوشتن آن‌ها و چاپ‌شان در روزنامه کرد. این نویسنده همان زمان دریافت که انسان امروز در بهاو و شلوغی زندگی روزمره‌اش همواره خواهان داستان کوتاه است و بعد از آن، داستانک‌های



آغاز... پایان... یک دقیقه
نویسنده:
ترگس ناظمی‌نیا
انتشارات: نسل روشن

دیگری نوشت و آن‌ها را در یک مجموعه منتشر کرد. این اثر شامل ۱۴۶ داستانک با موضوعات مختلفی چون عشق، نفرت، طلاق، جدایی، شجاعت، ترس و... در ژانرهای رئال و سورئال است. از جمله داستانک‌های این مجموعه «اول شد»، «بایگانی»، «بینش»، «تقلب»، «تکلیف شب»، «تنهایی»، «چراغ قرمز علیر پیاده» و... است. این اثر به قلم ترگس ناظمی‌نیا در ۱۴۸ صفحه با قیمت ۱۶۰ هزار تومان از سوی نسل روشن منتشر شده است.

لشکرکشی طغرل سلجوقی به بغداد

طغرل سلجوقی، مؤسس سلسله سلجوقیان است که از ۱۰۳۷ تا ۱۰۶۳ میلادی بر سریر قدرت بود و بر قلمرویی مشتمل بر ماوراءالنهر، خراسان بزرگ، فلات ایران و سرزمین‌های همجوار همچون قفقاز جنوبی، عراق، بخشی از آناتولی و نیز قسمتی از ارمنستان بزرگ حکومت می‌کرد. او ۱۴ نوامبر ۱۰۵۴ میلادی (۲۳ آبان‌ماه ۴۳۳ خورشیدی) با سپاهی عظیم روانه بغداد شد و اوایل سال ۱۰۵۵ میلادی این شهر را تصرف کرد. بهانه طغرل در این لشکرکشی، و جابلی خلیفه عباسی از دست شیعیان و استقرار مجدد حاکمیت اهل تسنن بود. او پیش‌تر در اصفهان اعلام کرده بود که به‌زودی عازم بغداد خواهد شد. طغرل پس از تصرف بغداد، از آن‌جا پس به‌نام خلیفه که در دست او آلتی بیش نبود، زمام امور قلمرو عباسیان را به دست گرفت. او خود را حامی خلیفه اعلام داشت و قدرت را در بغداد به اهل سنت بازگردانید یعنی درست عکس کاری که ده‌ها سال پیش از او، دیلمیان ایرانی شیعه‌مذهب کرده و قدرت را در دست شیعیان قرار داده بودند.

آینه و آنا ایر راجون

جناب آقای فاتحی مشاور ارشد و مدیرکل حوزه ریاست سازمان منطقه آزاد انزلی درگذشت فرزند عزیزتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم غفران الهی و علو درجات، برای حضرت‌تعالی و سایر بازماندگان صبر و اجر جزیل از خداوند متعال تقاضای می‌نمایم. ابراز همدردی مرا پذیرا باشید.

سرپرست روزنامه هم‌میهن - کیلان
سیدمحمد توری